پرسش و پاسخ

تیر ۱۳۶۰

www.iran-archive.com

نورالدین کیانوری

در فاصلهٔ آخرین پرسش و پاسخ و گفت وشنودی که با دوستان داشتیم تا امروز باز هم مسائل بسیار مهمی در جامعهٔ ما رخ داده یا اطلاعات تازه‌ای پیدا شده استکه دارای اهمیت زیادی است. من میخواهم امروز از گفتار امام خمینی در روز ۱۱ تیرماه ۱۳۶۰ شروع بکنم. باین گفتارها ازآنجهت توجه می‌کنیم که نکات بسیار با اهمیتی را امام درآن یادآوری کرده‌اند که می‌تواند برای سمت‌گیری عمل گروه‌های سیاسی پیرو خط امام دارای اهمیت خیلی زیادی باشد. این گفتار نکات بسیار وسیعی را در برمیگیرد که من ۵ تکتهٔ مهم آنرا اینجا یادداشت‌کرده‌ام که درباره‌اش صحبت بکنم. در یك قسمت از این گفتار امام می‌گویند که قضیهٔ دفتر هماهنگی در سراسر کشور یك قضیهٔ من باب اتفاق و عادی نبود. سپس مطالبی دربارهٔ دولت وغیره گفته میشود و بعد گفته میشود که قضیه این نیست که مجلس یك مجلس غیرکارآیی است و از اشخاص غیر مطلع تشکل پیدا کرده. مسئله این نیست که قوه قضائیه بدست انحصار-طلبان افتاده است. اینها مسائل اصلی آنها نیست. مسائل امریکاست و اسلام. جریان جریان امریکایی است در قبال مردم. در جای دیگری از این صحبت امام به این مسئله که خیلی اهمیت دارد اشاره می‌کنند: روز شهادت امام مظلوم پای نطق و سخنرانی آدمی که با او دوست است کف میزنند، سوت میکشند و آمریکا را از یاد می‌برند. خط این بود، یکدسته شوروی را طرح می‌کردند تا آمریکا منسی شود (یعنی فراموش شود). یکدسته الله واکبر را کنار می‌گذاشتند. سوت میزدند و کف میزدند آنهم در روز عاشورا. خط این بود که این قضیهٔ مرگ بر آمریکا منسی شود یعنی فراموش شود. در جای دیگر امام می‌فرمایند که نباید ما فراموش بکنیم که در جنگ با آمریکا هستیم. ما در جنگ با آمریکا و تفاله‌های آمریکا، تفاله‌هایی که قالب زدند خودشان را و ما غفلت کردیم، الان هم هستند. در جای دیگر امام می‌گویند که لذا دیدید که آنروزی که این جوانهای عزیزما این لانهٔ جاسوسی را گرفتند این شیاطین به دست و پا افتادند. یکی گفت که اینها خط شیطان هستند و دنبال این کردند که ما الان اسیرآمریکا هستیم. نه اینکه نمی‌فهمیدند که نه اسیر آمریکا نیستیم. می‌خواستند که ما را از استقلال بیرون بیاورند و بدامن آمریکا بیاندازند. قضیهٔ گرفتن جاسوسخانه ناگوار بود برای آنها. برای اینکه پرونده‌های آنها ظاهر می‌شد. پیدا می‌شد. اینهمه کوشش برای اینکه اینها را رها کنید بروند، ما در گرو آمریکا هستیم. اینها را بگذارید بروند. اینها جوانهای عزیز ما که می‌گفتند در خط اسلام هستیم می‌گفتند بهشان که در خط شیطان هستید. و بالاخره پنجمین گفته مهم امام اینست که: یك سیلی خوردیم از اشتباه. همهٔ نابسامانی‌هایی را که الان داریم برای اینکه اشتباه کردیم. نباید اشتباه تکرار شود. خوب ما اگر هرکدام از این جملات امام را بخوانیم میتوانیم در اطرافش بحث بسیار مفصلی را انجام بدهیم و اگر این تاریخ دوسال و نیم گذشته پس از پیروزی انقلاب، و اگر بخواهیم عمیق تر بررسی بکنیم، دوران قبل از انقلاب یعنی از آغاز اوج گیری انقلاب، و اگر باز هم بخواهیم عمیق تر بررسی بکنیم، دوران

www.iran-archive.com

قبل از ۲۸ مرداد • اگر این تاریخ درست از دیدگاه همین رهنمودهایی که امام داده از این احکامی که امام در گفتار خود شربهشان اشاره کرده اگر بخواهیم برخوردی بکنیم به حقایق بسیار مهمی که برای سرنوشت انقلاب ایران نه از لحاظ تاکتیکی در این مرحله کوتاهی که ما الان در نبرد با آمریکا هستیم بلکه برای مجموعهٔ دوران آینده تکامل انقلاب ایران • دوران تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب ایران به نتایج بسیار بسیار مهم و سرنوشت‌سازی خواهیم رسید • مسئلهٔ اول عبارت از اینست • این مسئلهٔ خط آمریکاست• یعنی در ایران در نتیجهٔ ۳۰ سال و بیشتر فعالیت آمریکا یك خطی جا افتاده که تقریبا تمام قشرهای مرفه جامعهٔ ما که از لحاظ سیاسی همان لیبرالها هستندکه باشکال مختلف این خط را دنبال می‌کنند و این خط عبارت است از تسلیم به خواستهای آمریکا برای حفظ بنیاد و پایه‌های سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم• این خط را ما از کجا می‌توانیم پیدا بکنیم• در مطبوعات حزب ما بیش از ۳۰ سال است شاید هم بیشتر، از سال ۲۶ ــ ۲۷ است که این خط با تمام دقت نشان داده می‌شود که چطور هرچه بیشتر بطرف تبلور می‌رفته است• این که لیبرالها که قیافهٔ خیلی ملی، خیلی اسلامی هم گاهی اوقات گرفتند مثل نهضت آزادی مثل یك دوره‌ای حتی جبههٔ ملی و سایر سازمان‌های مذهبی و یا غیرمذهبی که در طیف لیبرالها در همین طیف بزرگ جبهه متحد ضد انقلاب که در دور و بر آقای بنی صدر درست شد وقتی این‌ها را تاریخچه‌اش را نگاه بکنیم می‌بینیم این خط متعلق به دیروز و پریروز و پس‌پریروز نیست • خطی است فوق العاده طولانی • گفتار بسیار جالبی در این زمینه هست از یکی از سردمداران این خط باصطلاح ملی و از یکی از موسسین جبههٔ ملی آقای مکی تاریخ‌نویس، دوست و همکار بقایی تا آخرین نفس تا کودتای ۲۸ مرداد • ببینید حسین مکی که سخنگو و دبیر جبهه ملی بود در سه جلد کتابی که بنام تاریخ ۲۰ سالهٔ ایران نوشته به شکل عجیبی کوشش می‌کند که آمریکا را بعنوان فرشته رحمت به مردم ایران بقبولاند • او امریکا را بعنوان مشعل فرشته‌ای که در مدخل نیویورك ایستاده است تعریف می‌کند • می‌گوید خیلی صریح این کلمات خود ایشان است :

از روزی که ویلسون طلسم مونرو را شکست و لشکرهای امریکایی را به اروپا فرستاد عمل او روزنهٔ امیدی بروی ملل ضعیف شرق گشود• که ممکن است عهد عزلت و انزوای امریکای بزرگ منقضی شده و عواطف بشردوستی و نوع پروری آمریکا، ملل ضعیف شرق را زیر حمایت خود بپذیرد • پرتو ضعیف امید که از افق قارهٔ جدید می‌درخشید ملیون ایران را آنقدر جرأت و جسارت داد که به انتظار مساعدت آمریکا با بحران و انتظار مبارزه کنند و به نیروی امید مجهز شوند • این فکر که باید امریکای صلحجوی بشردوست را به ایران علاقمند ساخت و ایران را از دایرهٔ محدود مبارزات دو حریف رهایی بخشید زمینهٔ مستعد و مساعدی برافکار ملیون ایران یافت• بعد می نویسد که عملیات شوستر صحت تصور ملیون ایران را تأیید کرد و آرزوها و امیدی که ملیون ایران به مساعدت امریکائیات و بهره‌مندی از خدمات

صادقانهٔ هموطنان شوستر داشت - یعنی همان مستشاران امریکایی و نظامی که اینجا ۱۷ شهریور را درست‌کردند- آنقدر قوی بودکه بزودی تابندگی خود را از سرگرفت. خوب‌این برداشتی است‌که این آقایان ملیون که آقای حسین مکی سخنگو و دبیر جبههٔ آنها بوده است ،و بعدا هم بعنوان یکی از کارگردانان تدارك کودتای ۲۸ مرداد با بقایی و سایر همکارانشان عملی کردند ،می خواستند چنین قیافه‌ای از آمریکا را به مردم ایران تحمیل بکنند . روزنامه "باختر امروز" در یکی از شماره‌های خودش اینطور می‌نویسد : در دهم مرداد ۱۳۲۸ دست اتازونی آمریکا که با کمکهای مادی و معنوی گران قیمت‌خود شبسیاری از ملل جهان را از مرگ و فنا نجات‌داده و اروپای گرسنه و ویران راازآغوش کمونیسم بیرون کشیده ،امروز می رود که مسئولیت‌به مراتب سنگینتری را قبول کند . آمریکا باید مارا در دهانهٔ آتشفشان یاری کند . با این کمك آمریکا را جز با احساسات‌بشر دوستی وعواطف عالیهٔانسانی به چیز دیگری تعبیر نمی‌کنیم. کودتای ۲۸ مرداد آمریکا عبارتست‌از احساسات بشردوستی ! وعواطف عالیه انسانی است!! . اینست‌آن ارزیابی که این خط ،خط تسلیم به آمریکا ،ازآغاز شکل گیری‌سیاسی خود شرکوشیده است‌که به مردم ما تحمیل بکند . و با کمال تأسف بایستی گفت‌این خط دوران طولانی توانست‌چهرهٔ کریه امپریالیسم آمریکا را مخفی نگه دارد . وبرعکس‌این مساله را که امام دراینجا تذکر داد ماند ،شوروی را بعضی ها طرح می‌کردند که امریکا فراموش‌شود ، این مسأله را بارها پیش کشیدند . نمونه‌های بسیار زیادی دراین باره در دست‌است‌که یکی از بزرگترین و برجسته ترین این نمونه‌ها عبارتست از اعلامیه حزب‌ایران در مورد شناسایی دکترین آیزنهاور . همان دکترینی که بعدا به تمام جنایات‌آمریکا در سراسرجهان منجر شد در سال ۱۳۳۵ یعنی دوسال بعدازکودتای ۲۸ مرداد که سیاست‌آمریکا دیگر بطورکامل همهٔ واقعیت‌خود را درایران نشان داده بود ، دیگرمشخص شده بود که کودتا را امریکائیها بدست مأمورین سیا درایران انجام داده‌اند ، کمیتهٔ مرکزی حزب‌ایران در اول بهمن ۱۳۳۵ چنین اعلامیه‌ای را صادر می‌کند :

کمیتهٔ مرکزی حزب‌ایران در بیانات رئیس‌جمهور ممالك متحده آمریکای شمالی در ضمن پیامهای پنجم و دهم ژانویه ۱۹۵۷ به‌کنگره آنکشور مطالعات‌دقیق نموده و از لحاظ اینکه مفاد و روح این پیام را بر ضد امپریالیسم وکاپیتالیسم (درست‌گوش‌بدهید پیام رئیس‌جمهور ممالك متحده آمریکا بر ضدامپریالیسم وکاپیتالیسم بوده است) و موافق با احترام حقوق بشر وآزادی افراد واستقلال ملل در ادارهٔامور خود و تقویت‌وطن پرستی و تقوی تشخیص‌داده خواسته .که پیام مذکور پس‌از اتخاذ سیاست‌مستقل و مساعد در مسئلهٔ حمله به مصر ایراد شده اصولا خوشبین است‌و از جنبهٔ واقع‌بینی نیز آنها را بـا اصول داخلی خود که عبارتست‌از ـ اصول داخلی حزب‌ایران ـ اجرای قانون اساسی و متمم آن یعنی پذیرش‌سلطنت . ب . اجرای اعلامیه حقوق بشر و احترام‌به آزادی و حقوق و امنیت‌قضایی ملت

ایران متابعت از اصول پارلمانی و دمکراسی و تحقق حکومت مردم بر مردم در ریشه کن کردن فقر و رشوه خواری و نادرستی ، با اصول سیاست خارجی خود که عبارتست از متابعت از منشور سازمان ملل متحد ،احترام به حقوق پیمانهای موجود ، مبارزه با کمونیسم . پس به این ترتیب درست تشخیص دادند که محتوی بیانات رئیس جمهور آمریکا عبارتست از مبارزه با کمونیسم و برای آنکه آنرا خیلی خوب رنگیش بکنند ،اعلام کردند که این بیانات پیامی است بر ضد امپریالیسم و کاپیتالیسم. مثل اینکه آمریکا دیگر باید به مرحله سوسیالیسم رسیده باشد ،چون هم برضد امپریالیسم است و هم ضد کاپیتالیسم. کمونیسم هم چیز بدی است و باید بر علیه آن جنگید . پس رژیم دیگری آنجا وجود دارد که این رژیم حتما عالیترین شکل سوسیالیسم مورد علاقهٔ حزب ایران است که آنها را نمی‌شناسیم. بعد بار دیگر تکیه می‌کنند که حزب ایران قویا معتقد است که از بین رفتن عدم رضایت ها و احترام حقیقی به آزادی و حقوق و امنیت قضایی و حکومت قانون و شرکت مردم در ادارهٔ کشور ،خود مهمترین عامل اصلی و اساسی برای مبارزه با نفوذ کمونیسم است. یعنی مسأله‌ای که برای آنها مطرح بوده این بوده است که ما نوکری آمریکا را قبول داریم، ما از هرکسی که شما بخواهید ضدکمونیست تر هستیم ، از شاه هم بهتر می‌توانیم علیه کمونیسم مبارزه کنیم. شما اگر می خواهید علیه کمونیسم مبارزه بکنید ،ما حاضریم نوکریتان را بپذیریم. به این ترتیب محتوی فوق العاده عالی این گفتهٔ امام مشخص میشود . یعنی خط امریکائیست. امریکایی که بعدا قیافه واقعی خودش را نه مطابق این ماسکی که حزب ایران برایش درست کرده بود ، امریکای بقول حزب ایران ضد امپریالیست ،ضد کاپیتالیست،طرفدار حقوق بشر طرفدار اینهمه آوردن نیکی برای بشر. نه آمریکایی که نمونه‌اش ساواک و موساد ، کمپ دیوید ، بنده کردن سیاه و برده کردن خلق های زحمتکش بود . امریکایی که ویتنام را ایجاد کرد ، آمریکایی که هنوز در کره حضور دارد ،امریکایی که اندونزی و شیلی را ایجاد کرد . آنها حاضر بودند برای مبارزه بر علیه کمونیسم ،برای نگهداری اختیارات سرمایه‌داری در ایران ، برای حفظ غارتگری سرمایه‌داری برای این آمریکا نوکری بکنند . این است آن خطی که گردانندگان جبهه ملی امروز، که ما صدق را همیشه از آنها جدا کرده‌ایم و برای او شخصیت تاریخی ضدامپریالیستی واقعی قائل هستیم، از ابتدای شروع فعالیت سیاسی‌شان دنبال می‌کرده‌اند و امروز هم دیگر بوضوح قیافه واقعی خود را نشان داده‌اند . یعنی در اتحاد با ضدانقلاب ، با اویسی ، با فرح ، با رضا نیم پهلوی ، با تمام وازده‌های جامعه ما ،با مائوئیستها ستون پنجم امریکا در ایران و با گروههای بچه چپ رو ، انحصارطلب و ماجراجوهکاری می‌کنند تا اینکه دوباره خط آمریکا را بر ایران تحمیل بکنند . این است آن چیز مهمی که با یک بررسی کوتاه از تاریخ ، میشود از این گفتار بدست آورد . البته همانطور که گفتم در تأیید هریک از این گفته‌ها ممکن بود مطالب خیلی مفصلی را با بررسی تاریخی تنظیم بکنیم و بنویسیم.

www.iranarchive.com

بحث دیگری که در گفتار بسیار بسیار پر محتوی امام موجود است، مطلب سومی است که گفتیم : مانباید فراموش کنیم که در جنگ با آمریکا هستیم، ما در جنگ با آمریکا و تفاله‌های آمریکا این تفاله‌هایی که قالب زدند خود شانرا و ما غفلت کردیم و الان هم هستند • کلمه به کلمه این گفتار امام قابل تأییـــد است• تمام تاریخ دوسال و نیم اخیر ما به ویژه اینرا نشان میدهد • امروز دیگر ما می توانیم ببینیم کـه این تفاله‌ها به چه شکل خود شانرا جا زدند به چه صورتهایی خود شانرا جا زدند و دوباره کجا بایـــد بدنبال آنها گشت• برای اینکه امام به درستی یادآوری می‌کنند که اینها هنوز هم هستند و ما هـر روز که بگذرد باز هم نمونه‌های اینها را پیدا خواهیم کرد • ببینید از وقتی که جنبش انقلابی ایران شروع به اوج گیری کرد ،ما می‌بینیم که این خط امریکا مرحله به مرحله عناصر خود را که خوب در بین به اصطلاح آزادیخواهان و ترقی خواهان و ملیون و حتی بعدا به داخل نیروهای مسلمان که خود شانرا طرفدار خط امام خمینی می‌دانستند جا زده بود ، یك‌به یك ،لایه به لایه وارد صحنه کرد وکوشش‌نمود بـــه وسیله آنها انقلاب را چه پیش‌از پیروزی و چه بعد از پیروزی منحرف بکند • ما فقط اگر توجه بکنیم بـــه همین نظم تاریخی می توانیم بگوئیم، بختیار، بعد از بختیار حکومت ائتلافی از نهضت آزادی و جبهه ملی ،جبهه ملی که مهمترین عناصر آن بعد از مفتضح شدن بختیار ، امثال ابوالفضل قاسمی بودند ،و نهضت آزادی که از گردانندگانش امثال امیرانتظام و نزیه وغیره بودند • و یا لایه دیگری که به صورت رادیکال هایعنی ، مبارزانی که قبلا با علی امینی کار می‌کردند ، وارد اقدام شدند و جزو گردانندگان مهم دولت انقلابی شدند • مثل مقدم مراغه‌ای‌ها ،نزیه‌ها و امثال آنها • اینها لایه‌هائی بودند کـــه آمریکائیها در تمام مراجع مهم قدرت دولتی ،یکی بعد از دیگری وارد دستگاه رهبری انقلاب ودستگاه اداره کنندهٔ حاکمیت انقلابی می‌کردند ، برای اینکه بتوانند به وسیله آنها انقلاب را منحرف بکنند • بعد نمونه‌های مدنی‌ها پیدا شدند ، نمونه ابوالقاسم صادق معاون وزارت ارشاد ملی پیدا شد ،که حتـــی توانست در کابینهٔ آقای رجائی رخنه کرده و خود را تا حد معاونت وزارت ارشاد ملی بالا بکشد • بعـد بنی صدر و قطب زاده و تمام این گروهی که از امریکا و فرانسه آمده بودند یکباره جازدند که امروز هـم یکی دوتایشان دومرتبه توقیف شدند امثال فتح الله بنی صدر و انتظاریون و تمام این طیف‌د و بنی‌صدر و اینها را همه را به انقلاب جازدند و ما اگر دقت بکنیم می‌بینیم که هنوز بقایای آنها در مجلـس‌و در مقامات دولتی به معنی کامل وجود دارند • امروز یکی ازنمایندگان مجلس‌در گفتار خود با دلایلـی نشان می‌داد که این وزارت نفت تقریبا همان وزارت نفت لااقل نزیه و وزیر بعدی اش‌است• یعنـــی تغییری نکرده و نظیر وزارت نفت دولت گام به گام است و میشود حتی گفت‌که یك درصد خیلی خیلـــی عمده‌اش‌همان وزارت نفت اقبال و انصاری است• ما می‌بینیم که مهمترین مرکز قدرت اقتصادی دولـــت ایران هنوز در دست چه کسانی است• خیلی جالب بود وی می‌گفت یکی از وزرا گفته است‌که هیئـــت

www.iran-archive.com

وزیران از وزارت نفت خبری ندارد و یا هنوز در آنجا تسلطی نداریم. یعنی هنوز دولتی است در داخل دولت ایران. به این ترتیب ما می‌بینیم که امپریالیسم توانسته است از این طرق خودش را جا بزند. ما الان که ده سال و نیم است که هشدار می‌دهیم از بقایی ها از مکی‌ها از شمس‌قنات‌آبادی‌ها برحذر باشید. اینها با قیافه ملی با قیافه طرفداری از حقوق مردم وارد میدان شدند و بعد ۲۸ مرداد را تدارک دیدند و به انجام رساندند. ما ۲ سال است که هشدار می‌دهیم که از این اشال امیرانتظام‌ها اشال ابوالفضل قاسمی ها، اشال قطب‌زاده‌ها، اشال بنی‌صدرها برحذر باشید و حالا هنوز هم این تذکر را مجبور هستیم با تمام وزن ادامه بدهیم. به نظر ما کلاهی‌ها افراد استثنایی نیستند. کلاهی‌ها در مکان‌های مختلف جای دارند. یکی از نمونه‌های جالب اشال کلاهی‌ها که فقط با ریش توانسته بودند خود را در یک چنین جای حساسی جا بزنند (چون ظاهرا فقط بایستی ریش‌او این کار را کرده و اورا در آنجا جای داده باشد) همان کسی است که بعنوان یکی از همکاران دفتر هماهنگی، در جریان محاکمه اظهاراتی کرده است که از تلویزیون نیز پخش شد. این آقای خلیلیان. آقای خلیلیان چهره‌های گوناگونی دارد که یک چهره‌اش عبارتست از چهرهٔ یک تحریک کنندهٔ دروغگو و جنایت‌آمیز علیه حزب توده ایران. اگر خاطرتان باشد جریانی چند ماه پیش اتفاق افتاد که طی آن خانه‌ای که متعلق به بعضی از دوستان حزب تودهٔ ایران بود در جنوب شهر گرفته شد. اول رفتند آنجا و خانه را بازدید کردند. علت بازدید خانه نیز آن بود که ما شکایت کردیم که قسمتی از این خانه را عده‌ای تحت‌عنوان بیمارستان مبارزه با اعتیاد، به مرکز پخش هروئین تبدیل کرده‌اند. ما شکایت کردیم. آمدند و شکایت ما درست درآمد. آمدند بازدید کردند آنجا را گرفتند، افرادش را دستگیر کردند. بعد از چند روز به رهبری همین آقای خلیلیان و بدون اطلاع افرادی که در آن خانه زندگی می‌کردند و بدون اینکه آنها حضور داشته باشند مجددا آنجا را مورد بازدید قراردادند و ناگهان ادعا کردند که تکه‌های شکسته‌ای از یک ژ۳ را داخل زیر زمین خانه پیدا کرده‌اند! و ۲ نفر از رفقای توده‌ای ما را که با تمام وجودشان در این دفتر فرهنگی جنوب شهر در راه انقلاب، برای مبارزه با ضدانقلاب کوشش می‌کردند گرفتند و بردند و برای آنها پرونده ساختند. همه هم می‌دانستند که این پرونده ساختگی است. پرونده بوسیله همین آقای خلیلیان ساخته شد، که به عنوان عضو دفتر هماهنگی و نماینده کمیته مرکزی در آنجا سر و کله‌اش پیدا شده بود. این دو رفیق ما که همه می‌دانند و خود دادستانی انقلاب هم می‌داند که بیگناه هستند، هنوز هم در زندانند و به ۳ سال حبس هم محکوم شده‌اند. و حالا یکهو قیافه این آقای خلیلیان بعنوان یک عامل محرک دستگاه پیدا می‌شود. اشال اینها اشال کلاهی ها هنوز حتما زیاد هستند. به این ترتیب ما از این گفته امام به این مسئله توجه می‌دهیم که هنوز توطئه هفتم آمریکا در جریان است، هنوز آمریکا به اینگونه عناصر یعنی بقایی ها و مکی ها از یکطرف و کلاهی‌ها و

www.iran-archive.com

خلیلیان‌ها از طرف دیگر، امید زیادی دارد وکوشش میکند اینها را با قیافه‌های مختلف در جاهای مختلف جابزند وآنها در این جاها باتمام قوا کوشش میکنند از امکاناتی که در اختیارشان هست، درجهت تحریك، درجهت ایجاد نفاق، درجهت بجان هم انداختن استفاده بکنند. اینها در مطبوعات هستند، در روزنامه‌های کثیرالانتشار هستند. بنظرما در رادیوهستند، در تلویزیون هستند. و ما خیال می‌کنیم که مسئله، تصفیهٔ اینگونه عناصر است، و نه آن عناصری که مشخص است تمایلات تـــوده ای دارند و دروغ هم نمی‌گویند و قیافه شان هم مشخص هست. ما بر حذر می‌داریم از کلاهی‌هایی که ریش دارند و حتی روزی ۲۵ بار ممکن است جلوی افرادی که مسئول هستند مثل رهبران حزب جمهوری اسلامی نماز بخوانند و خیلی هم خود را مسلمان متعهد و مکتبی نشان بدهند. این عناصر می‌توانند ضربات بسیار بسیار دردناکی به انقلاب وارد بکنند و به نظر ما یکی از ضعفهای حاکمیت کنونی ما در این است که به این جنبه نفوذ عوامل دشمن فوق‌العاده کم توجه کرده وبخش عمده امکانات خبرگیری واطلاع گیری و تعقیب خویش را درجهتی به کار می‌برد که از آنجهت کوچکترین خطری متوجه انقلاب ایران نیست. و در نتیجه برای آنجائیکه این افراد میتوانند وارد بشوند، میتوانند اینقدر ریب بمرکز حزب جمهوری اسلامی وارد کنند، کاریگذارند، به کاربیاندازند وخودشان راحت کنار بروند. هیچگونه چشم و گوشی برای دیـــدن و شنیدن این خیانتها وجنایتها وجود ندارد یا اگر وجود دارد فوق‌العاده ضعیف است. ازاین جهت است که ما معتقدیم که هنوز طیف بختیار، قاسمی، امیرانتظام، بنی‌صدر، قطب زاده، مدنی ونهضت آزادی، جبههٔ ملی و دفتر هماهنگی، کلاهی ها، خلیلیان ها ریشه های قوی در دستگاه حاکمیت کنونی، در دستگاه سازمانهای سیاسی اسلامی ریشه‌های قوی ای دارند و مبارزه با این طیف بایستی به یکـی از عمده ترین جهات مبارزه حاکمیت برای حفظ انقلاب، مبدل شود.

همانطوری که گفتم نمونه‌های زیادی در دست است که در مطبوعات کثیرالانتشار عناصری وابسته بـــه مائوئیستها یا به جناحهای دیگر لیبرالی و همین خط امریکا کاملاً عمل می‌کنند. من یك نمونه‌ای دارم که خیلی بامزه است این نمونه از آن جهت واقعاً جالب توجه هست که نشان می‌دهد به چه شکل این عناصر عمل می‌کنند و هدفشان چیست؟ ببینید امام یك چیز خیلی خوبی در همین گفتارها گفتند که من آنـرا یادآوری کردم. گفتند؟ بعضی شوروی را طرح می‌کردند برای اینکه امریکا فراموش شود. ما می‌دانیم که دستگاه خبرگزاری امپریالیستی که محافل حاکمه ایران، خود آنرا بعنوان امپریالیسم خبری معرفی کرده‌اند غیر از دروغ در دنیا به نفع امپریالیسم چیزی نمی‌سازند. بهترین دلیل و نمونه‌اش هم عبارتست از تمام آن چیزهایی است که دربارهٔ انقلاب ایران و واقعیت ایران در دنیا منتشر می‌کنند. خوب حالا اینکه آژانس پارس ایران فقط اخبار آسوشتید پرس و یوناتید پرس و رویترکه نمایندگانشرا از ایران بـــه

علت دروغگویی و دروغ سازی بیرون می‌کنند ، هرروز دو مرتبه تحویل مطبوعات ایران و رادیو میدهند . این از عجایب دوران انقلاب اسلامی است . که چطور از یك طرف همهٔ این سازمانها آنقدر دروغ سازند که در ایران دیگر نمی‌توانند نمایندگی داشته باشند و از طرف دیگر تمام اخباری که آژانس پارس میگیرد و به روزنامه ها و مطبوعات و رادیو میدهد از همین خبرگزاریهاست . یك نمونه وجود دارد که خیلی جالب است، معلوم نیست آژانس پارس این خبر را می‌دهد یا اینکه نویسنده اخبار در روزنامه آنرا اینطور قشنگ (تبدیل میکند . آنقدر بامزه است که تعجب میکنید . در روزنامه اطلاعات ۱۵تیرماه ۱۳۶۰ ، ص ۱۲ ، ستون اول ، در بخش اخبار جهان در جای خیلی برجسته با تیتر درشت می‌خوانید "روسیه با متحدین امریکا به توافق رسید " . بعد خبر را می‌خوانید : لندن ــ انگلیس خبرگزاری فرانسه به گزارش منابع رسمی انگلستان ، لرد کارینگتون وزیر امور خارجه انگلیس دیروز در لندن با وزرای امور خارجهٔ فرانسه و آلمان غربی به مذاکره نشستند و با این متحدان امریکا به توافق رسید . لازم به یادآوری است که لرد کارینگتون امروز با آندره گرومیکو وزیر امور خارجه روسیه به مذاکره می‌نشیند ، تیتر روسیه با متحدین آمریکا به توافق رسید تمام شد . بعد محتوی عبارت از اینست که لرد کارینگتون با دوستان خودش به توافق رسید . چقدر صدق می‌کند که بعضی ها شوروی را طرح می‌کنند برای اینکه امریکا فراموش شود . از این نمونه‌ها می‌توان صدها بار یافت ، در مطبوعات ، در روزنامه کیهان ، در روزنامه اطلاعات . مثلاً در بارهٔ روزنامه کیهان دروغگویی را ببینید تا چه حد است . در مقاله‌ای که "مقاله هم بایستی باشد ، (کیهان ۱۴تیرماه ــ یادداشت روز " عوامل اصلی فاجعه اخیر را بشناسیم " .) می‌خوانیم :گروه‌های سیاسی دیگر از جمله مارکسیستهای موافق اطلاعیه ۱۰امادهای دادستانی کل انقلاب درتبیین علل و عوامل این جریان جانب احتیاط را در پیش گرفتند . یکی به نعل زدند و یکی به میخ ، تا اگر حوادث در روند عینی‌اش به سود جناح غالب پیش‌رود زیانی متوجه حیات سیاسی آنان نگردد . سیاستی که حزب توده در تاریخ ۳۰ سال اخیر دیکته تور آن بوده است . البته بی سلیقگی این آقای نویسنده راکه کلمه دیکته تور را در فارسی به چه معنایی پیدا کرده است به عهده خود شان واگذار می‌کنیم ولی از اینکه واقعاً به حزب توده ایران نسبت بد هند که به نعل و به میخ زده آنهم در این مسئله اساسی ، این دیگر بازکمترین چیزی که می‌توان گفت خیلی بی‌سلیقگی لازم دارد . فقط کافی است مقایسه بکنیم ، آنچه که روزنامهٔ کیهان که خود را خیلی انقلابی می‌داند ، ازهمان تاریخی که از دست آقای یزدی بیرون آمده ، درمورد لااقل آقای بنی‌صدر و تمام دارودستهاش ، یعنی تمام طیف این جبههٔ ضدانقلاب نوشته ، با آنچه که روزنامهٔ "مردم" دراین باره نوشته است. ببینیم ،کدامیك ازاعلامیه‌های حزب توده ایران کدرهمین حوادث اخیر ، بعض اینکه این حوادث پیش آمد منتشر شده است، درجهت این است که به نعل و به میخ بزند. ما طی حوادث اخیر سه اعلامیه بسیار

www.iran-archive.com

مهم صادر کردیم؛ پس از برکناری بنی‌صدر از فرماندهی کل قوا بدون هیچگونه ابهامی اعلام کردیم که تدارک این عملیات آقای بنی‌صدر، توطئهٔ هفتم آمریکا بوده و بایستی که این توطئه را درهم کوبید و تمام این نمونه‌ها را، این طیف را، مانشان دادیم که آقای بنی‌صدر هم در وسطش بوده است و موضع خود را با تمام قوا و با کمال صراحت در این مسئله مشخص کردیم. اطلاعیه‌ای که موضع‌گیری ما را نشان میدهد بطور خیلی روشن از تصمیم امام در برکناری بنی‌صدر از فرماندهی کل قوا پشتیبانی و ابراز شادی کردیم و آنرا بعنوان یک قدم بزرگ برای چنین لحظه‌ای ارزیابی کردیم. خوب در اعلامیه دومی که ما دربارهٔ عزل بنی‌صدر صادر کردیم با تمام صراحت اعلام کردیم که عزل بنی صدر از مقام ریاست جمهوری خطر بزرگی را از انقلاب شکوهمند مردم ایران دور ساخت. در بیانیه‌ای هم که برای این تحیثت بزرگ منتشر کردیم خیلی صریح گفتیم که جنایت بزرگ ضد انقلاب پرورده آمریکا را بشدت محکوم می‌کنیم، مبارزه تا پیروزی قطعی و نهایی ادامه دارد. ما تمام این بیانیه‌ها را برای روزنامهٔ کیهان هم فرستادیم و روزنامهٔ کیهان علی رغم تمام آن اخلاق مطبوعاتی مبنی بر اینکه یک روزنامه و سازمان که امروز روزنامه‌اش توقیف است و امکان انتشار نظریاتش را ندارد و سازمانی است که لااقل برای خود روزنامهٔ کیهان مطرح است سنت مطبوعاتی خیلی خیلی ابتدایی آزاد منشانه ایجاب می‌کند که حداقل آن مقداری که اطلاعات در انعکاس نظریات حزب‌تودهٔ ایران عمل کرده عمل بکند، ولی روزنامهٔ کیهان برعکس آگاهانه یک کلمه از مطالبی که مربوط به حزب‌تودهٔ ایران است، تا آن تاریخی که یک چنین تحریفی را از موضعگیری حزب‌تودهٔ ایران می‌نویسد بیان نمی‌کند. ببینید اینها نمونه‌هایی است که ما از این نوع اقدامات داریم. این که کی است کجا است، آگاهانه است یا ناآگاهانه است، تاریخ بما نشان میدهد که این خصومت های قطب‌زاده و بقایی و، سنجابی و، یزدی و، امیر انتظام و، رنجبری و، پیکاری و، بنی‌صدری و، همگی به خط آمریکا کشیده شده است. همه اینها پس از مدتی ماسک از رویشان برداشته شده است و یا بعنوان عمال امپریالیسم آمریکا شناخته شده‌اند و یا سازشکارانی که در راه سازش با امپریالیسم آمریکا گام برمی‌داشتند. حداقل یا این بودند یا آن. خط امریکاست همانطور که امام گفتند. ما برحذر می‌داریم آن افراد با حسن نیتی را که در نتیجه این تبلیغات سی ساله در این دام وحشتناک تبلیغات ضد حزب‌تودهٔ ایران افتاده‌اند و به تکرار آن لاطائلاتی ادامه می‌دهند که سی سال ساواک و این ملیونی که امام چهرهٔ آنها را امروز نشان داده‌اند یعنی امریکایی زده‌های ملی نما ادامه می‌دهند ما اسم اینها را دیگر ملیون نمی گذاریم امریکائی زده‌های ملی نما سی سال علیه حزب‌تودهٔ ایران یکطرفه تبلیغ کردند. این لجنی که در نتیجه این تبلیغ، در افکار بسیاری از مبارزان که واقعاً می‌توانند مبارزان اصیلی هم باشند افتاده دیگر وقت آن رسیده است که با اینهمه تجربه تاریخی، خانه تکانی و پاک بشود. حوض را دوباره آب تمیز بیاندازند و واقعاً در برخورد با واقعیت اجتماعی ایران، در برخورد

با آن جریان پیرو سوسیالیسم علمی واقعی و راستین در ایران و در سراسر جهان، آمریکائی زدائی بکنند • وقت آن رسیده است • چیزی که میتوانم به این گفتار اضافه بکنم یك رهنمود دیگر امام است که این رهنمود فوق‌العاده با ارزش است و این رهنمود را من به همین افرادی می‌گویم که نمی‌خواهند بپذیرند که در ایران نیروهایی وجود دارند که ضمن اینکه ممکن است در مواضع ایدئولوژیك و فکری عقیدتی مسلمانان مبارز قرار نداشته باشند ، ولی به تمام معنا در جهت مبارزه برای نگهداری دستاوردهای انقلاب شکوهمند میهن ما ، برای حفظ و نگهداری این نظام جمهوری اسلامی که در یك موضع ضد امپریالیستی و مردمی ضد استبدادی ، بمعنی استبداد سلطنتی جای گرفته و از آن دفاع می‌کنند •

و با تمام صداقت از آن دفاع می‌کنند • من این گفته امام را می‌خواهم به یاری بطلبم برای راهنمایی این افراد • امام در سخنرانی بهمن ماه ۱۳۵۹ خود در مقابل نمایندگان سازمان بنادر و کشتیرانی اینطور می‌گویند که : اگر مسلمانید بخاطر اسلام متحد شوید و اگر خدای ناکرده به اسلام اعتقادی ندارید — بخاطر مصالح کشورتان دست از تفرقه بردارید و دست اتحاد و اتفاق بدهید • یعنی امام توصیه می‌کند به همه هم به مسلمانان هم به آنهایی که دگراندیش هستند ، متحد شوید • این توصیه فقط به دو طرف به طور مجزا نیست به هر دو طرف است • به آن مسلمانانی که : هستند بالاخره دگراندیشانی که بخاطر مصالح کشورشان مبارزه میکنند • نمی‌بایستی دست رد به سینه‌اینان زد بلکه بایستی با آنها اتحاد کرد • این است محتوای آن چیزی که ما سالهاست بنام جبههٔ متحد خلق دائماً پیشنهاد می‌کنیم • یعنی جبهه‌ای از همهٔ نیروهای راستین انقلابی که طرفدار پنج اصل و پنج عنصر اساسی خط امام خمینی هستند ، که پنجمین این عناصر ، خود اصل اتحاد همهٔ نیروهای هوادار انقلاب است که می‌بایست با یکدیگر در جبهه واحدی علیه این طیفی که اینقدر وسعت پیدا کرده و هنوز بمعنی کامل خطرش از بین نرفته است متحد شوند تا بتوانند مبارزه بکنند و دستاوردهای انقلاب را به شکل بازگشت ناپذیر نگهداری و محافظت نمایند •

* * * * *

پس از پخش آخرین قسمت یا هفتمین قسمت از بحث آزاد ایدئولوژیك گوینده رادیو تلویزیون با لحنی بسیار زننده و جهت دار ادعا کرد که گویا این بحث بعلت امتناع حزب توده‌ٔ ایران و سازمان — فدائیان خلق ایران (اکثریت) ادامه پیدا نکرده است • از آنجایی که این اظهار گوینده رادیو تلویزیون که بعداً بعنوان موضعگیری رسمی شورای سرپرستی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران در مطبوعات هم منتشر شد ، تحریف واقعیات است ما طی نامه‌ای نظریات حزب را ، آن تحریف زننده و غیر منطبق با واقعیت را روشن کردیم و اینرا برای مطبوعات هم فرستادیم و مطابق قانون مطبوعات از آنها

www.iran-archive.com

خواستیم که آنرا درج بکنند و از صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران هم مطابق قانون مطبوعات خواستیم که در مقابل تمام تهمت هایی که به حزب توده ایران در طی دو سال و نیم اخیر زده شده است این نوشته اعتراضی ما را منتشر بکنند ولی از آنجائیکه ما تردید داریم که هم صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران و هم روزنامه‌های کثیرالانتشار یعنی اطلاعات و کیهان و جمهوری اسلامی چنین کاری را انجام بدهند، این نوشته را من امروز اینجا در این گفتار می‌خوانم برای اینکه از اینطریق لااقل به اطلاع دوستان ما که بوسیله پرسش و پاسخ با ما رابطه دارند برسد و آنها هم بتوانند این واقعیت را در جامعه در همان حدودی که محیط اطرافشان اجازه میدهد منعکس کنند.

شورای سرپرستی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

بسیار متأسفیم که بر خلاف انتظار از طرف آن شورا طی اطلاعیه‌ای قطع بحث آزاد اعلام شد و آنهم به دلایلی که به کلی دور از واقعیات و به طور جدی تحریف واقعیات است. در این اطلاعیه بدون آنکه تمام جریان شکل گیری بحث آزاد بیان شود، کوشش شده است که با نشان دادن غیر منطبق با واقعیت گوشه‌ای از این جریان، مسئولیت قطع بحث آزاد با جملاتی تحریک آمیز و زننده بر عهده حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) گذاشته شود. ما این اطلاعیه را اتهامی علیه خود می‌دانیم و لذا برای رفع این اتهام جریان واقعی شکل گیری بحث آزاد را یادآوری می کنیم تا مسئولان واقعی قطع بحث آزاد شناخته شوند. پیرو دعوتی که از طرف شورای محترم سرپرستی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران برای اجرای بحث آزاد به عمل آمد در اولین جلسه تدارک بحث آزاد ـ نمایندگان احزاب و سازمانهای زیر شرکت کردند:

حزب جمهوری اسلامی، نماینده رئیس جمهور معزول، حزب توده ایران، جنبش مسلمانان مبارز، جاما، نهضت آزادی، جبهه ملی، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و سازمان مجاهدین خلق ایران.

در این جلسه پس از بحث طولانی بالاخره موافقت کلی بعمل آمد که بحث آزاد در سه زمینه ایدئولوژیک، سیاسی و اقتصادی بموازات دیگر بعمل آید. گروه‌های وابسته به خط رئیس جمهور معزول متفقاً مخالف بحث ایدئولوژیک بودند و علاقه مبرم به بحث سیاسی داشتند. علت آنهم روشن بود. نظر نمایندگان حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بطور روشن این بود که ما برای بحث ایدئولوژیک در شرایط کنونی جامعه ما سودی قائل نیستیم ولی اگر حزب جمهوری اسلامی و حوزه علمیه قم انجام بحث ایدئولوژیک را شرط برای بحث درباره مسائل عمده و حیاتی جامعه یعنی مسائل سیاسی و اقتصادی قرار دهند ما حاضریم در بحث ایدئولوژیک هم شرکت کنیم. در جلسه دوم همانطور که

انتظار می‌رفت گروها و سازمانهای وابسته به خط رئیس‌جمهور معزول شرکت نکردند . سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی که در این جلسه شرکت کرده بود به این دلیل که چون این گروه‌ها و سازمانها که طرف اصلی بحث هستند جا خالی کردند لذا فایده‌ای برای شرکت در بحث آزاد نمی‌بیند و از شرکت در بحث آزاد خودداری کرد . باینترتیب قرار شد بحث آزاد با شرکت ۵ حزب و سازمان و گروه یعنی حزب جمهوری اسلامی ، حوزه علمیه قم ، جنبش مسلمانان مبارز ، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران انجام گیرد . این نکته را هم یاد آوری کنیم که این قرار هنگامی گذاشته شد که با رهنمود های امام خمینی درباره تامین آزادیها و تبدیل سال ۱۳۶۰ به سال قانون و صدور اطلاعیه ۱۰ ماده‌ای دادستان کل انقلاب درباره تامین آزادی فعالیت همه احزاب ، سازمانها و گروه‌های سیاسی که با نظام جمهوری اسلامی ایران در مقام ستیز مسلحانه نیستند جو بسیار مساعدی برای تبادل نظر و بحث آزاد بوجود آمد . با کمال تاسف در اولین گردهم آیی در زمینه بحث ایدئولوژیک حزب جمهوری اسلامی هم از فرستادن نماینده خودداری کرد ، و بدون اینکه قبلا" با سایر شرکت‌کنندگان موافقتی به عمل آورده باشد آقای دکتر عبدالکریم سروش بعنوان منفرد در بحث شرکت کرد . به اینترتیب دیده می‌شود که از میان همه احزاب و سازمانها و گروه‌های سیاسی کشور تنها حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با آنکه در اساس چنین بحثی را سودمند نمی‌دانستند و تنها برای آنکه به رغم تحریم تحریک آمیز گروه‌های جبهه براندازی بحث آزاد در همه زمینه ها انجام گیرد حاضر به شرکت در بحث ایدئولوژیک شدند و به تعهد خود عمل کردند . و این در حالی بود که احزاب و سازمانهای سیاسی اسلامی از شرکت در بحث ایدئولوژیک خودداری نمودند . در بحث سیاسی تنها ٤ حزب و سازمان سیاسی ، یعنی حزب جمهوری اسلامی ، جنبش مسلمانان مبارز ، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران شرکت کردند . این چهار حزب و سازمان سیاسی طی ۵ جلسه طولانی مسائل بسیار مهمی از اولین بخش مورد توافق را که درباره آزادی ، هرج و مرج و زورمداری بود مورد بحث قرار دادند ولی با کمال تاسف از این بحث سیاسی تنها ۲ جلسه اولیه آن از سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش شد و برای پخش نشدن ۳ جلسه آخر که عمده ترین مسائل سیاسی را در بر می‌گیرد هیچگونه توضیحی از جانب صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران داده نشده است . صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران بدون موافقت شرکت کنندگان در بحث سیاسی و بدون ذکر دلیل از ادامه این بحث که مورد توجه فراوان مردم قرار گرفت خودداری کرد و هنوز هم پاسخی برای پرسشهای مکرر خود ، در این باره دریافت نکردیم . بحث اقتصادی هم با وجود اصرار و یادآوری مکرر نمایندگان حزب توده ایران ، جنبش مسلمانان مبارز و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به علتی که هنوز بر ما روشن نیست اصلا" آغاز نشد . به اینترتیب دیده می‌شود که تمام قرارها و توافق‌ها بدون استثناء از طرف سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران و افراد و

www.iran-archive.com

سازمانهایی غیر از حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و جنبش مسلمانان مبارز نقض شده است . و اما درباره علت قطع بحث ایدئولوژیك پس از جلسه هفتم هم باید گفت که توضیح صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران بر خلاف واقعیت است . در این زمینه باید یاد آوری کنیم اول اینکه همانطور که از جریان بحث در پایان جلسه هفتم کاملا " مشهود است از طرف مجری برنامه بحث ایدئولوژیك و آقایان مصباح و سروش به طور غیر منتظره ای این مطلب پیش کشیده شد که بهتر است از ادامه بحث در مسیری که تا کنون جریان داشت خود داری شود و بدون بحث در مسائل بنیادی مانند شناخت و ماتریالیسم تاریخی و غیره به آخرین مرحله این بحث یعنی روح و ماده جهشی انجام گیرد . در صورتیکه قبلا " قرار بود که درباره بخش پایانی بحث دیالکتیك یعنی شناخت و ماتریالیسم تاریخی بحث های جداگانه ای انجام گیرد . ما به زحمت می توانیم تردید کنیم که این تلاش برای بیرون کشیدن بحث از مجرای منطقی گذشته و انداختن آن در مجرای جدیدی که بویژه در جو سیاسی تغییر یافته هفته های اخیر میتواند بسیار زیان بخش باشد از پیش معین نشده باشد . انعطاف ناپذیری طرف های بحث بویژه آقایان سروش و نماینده صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران خود دلیلی بر درستی این تردید ماست . اقدام یکجانبه صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران در قطع بحث و محتوای اطلاعیه غرض آلود هم دلیل دیگری بر درستی این تردید است . واقعیت این است که در پایان جلسه هفتم بحث ایدئولوژیك از طرف نماینده حزب توده ایران بیان شد که حزب ما از همان آغاز هوادار گنجاندن بحث ایدئولوژیك در برنامه بحث آزاد نبوده است ، ما همیشه یاد آورده شدیم که حزب توده ایران یك حزب سیاسی انقلابی هوادار حقوق زحمتکشان است . حزب توده ایران نه یك حزب مذهبی است و نه یك حزب ضد مذهبی است . حزب توده ایران به پیروی از اصول عقاید خود به عقاید مذهبی توده های دهها میلیونی مردم احترام می گزارد و هیچگونه ستیزی با اعتقادات مذهبی مردم ندارد و نمی تواند داشته باشد . درهای حزب توده ایران حتی بروی افراد معتقد مذهبی که برنامه حزب را که یك برنامه سیاسی ـ اجتماعی است بپذیرند ، باز است . هدف اساسی حزب ما جلب حمایت همین توده های میلیونی زحمتکشان مذهبی برای انجام دگرگونیهای بنیادی اجتماعی به سود آنهاست ولی با وجود مخالفت اصولی با سودمند بودن این بحث در سیمای جمهوری اسلامی ایران ، نماینده حزب توده ایران تصمیم در این باره را موکول به تصمیم رهبری حزب توده ایران نمود . ما بلافاصله کوشش کردیم با مسئولان شورای سرپرستی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران تماس بگیریم و درباره مشکلی که پیش آمده تبادل نظر کنیم ولی متاسفانه از طرف این شورا امکان این تبادل نظر به ما داده نشد و تنها شفاها " بما اطلاع داده شد که ما را مطلع خواهند کرد . ما هنوز هم در انتظار خبر شورای سرپرستی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران هستیم . اینك با کمال تاسف مشاهده می شود که نیروهای معینی

www.iran-archive.com

موفق شده‌اند نظر خاص‌و در هرحال دشمنانه و کین توزانه خود را نسبت به حزب‌توده‌ٔ ایران به صورت این تصمیم شورای سرپرستی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران در آورند . بنظر ما پخش نشدن بحثهای ضبط شده سیاسی ، جلوگیری یك جانبه از ادامه بحث سیاسی ، امتناع از انجام بحث اقتصادی و قطع بهانه جویانه بحث ایدئولوژیك بدون توافق شرکت‌کنندگان در بحث همه اجزاء یك برنامه واحد هستند . ما متأسفیم که شورای سرپرستی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران که با ابتکار بسیار ارزنده‌ٔ خود درباره‌ٔ انجام بحث‌آزاد گام مهم و مثبتی برداشت مجری این برنامه شده است . این موضع‌گیری دشمنانه صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران علیه حزب‌توده‌ٔ ایران بویژه وقتی تعجب‌آورتر می‌شود که بدانیم این شیوه‌ٔ ناشایسته درست در زمانی بکار می‌رود که نامه‌ٔ مردم ارگان مرکزی حزب توده‌ٔ ایران بدون دلیل قانونی و ناعادلانه توقیف شده و روزنامه‌های کثیرالانتشار نیز از درج توضیحات و اعتراضات ما خودداری می‌کنند . در پایان ما بطور روشن اعلام میداریم که حزب‌توده‌ٔ ایران برای ادامه‌ٔ بحث‌آزاد در همه‌ٔ زمینه‌هایی که توافق شده آمادگی کامل دارد و تنها بر این عقیده است که برگزیدن موضوع مشخص هر بحث باید با موافقت طرفین بحث و با در نظر گرفتن کلیه شرایط سیاسی و اجتماعی کشور طوری انجام گیرد که نتیجه‌ٔ آن در جهت تحکیم اتحاد همه نیروهای انقلابی پشتیبان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و پشتیبان استقلال همه جانبه ، آزادی و دگرگونیهای بنیادی اجتماعی بسود محرومان میهن ما باشد . در شرایط کنونی نبرد زندگی و مرگ جمهوری اسلامی ایران با امریکای جنایتکار و یاران ایرانی مسلمان نما و چپ نمایش سمت‌گیری هر عمل سیاسی و اجتماعی از جمله بحث‌آزاد در مباحثات ایدئولوژیك باید تجهیز هر چه وسیعتر نیروهای مردمی برای شرکت متحد علیه این دشمنان خطرناك انقلاب و جمهوری اسلامی ایران باشد ، نه در جهت نفاق و تفرقه و طرح مسائلی که توجه نیروهای مبارز را از دشمن اصلی در خارج و داخل کشور منحرف سازد . ما توجه شما را به ویژه به دو رهنمود تاریخی امام خمینی رهبر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران جلب می‌کنیم :

۱ــ از سخنان امام خمینی در برابر نمایندگان سازمان بنادر و کشتیرانی در بهمن ماه ۱۳۵۹ نقل از روزنامه‌ٔ اطلاعات مورخ ۱٤ تیرماه ۱۳٦۰

اگر مسلمانید بخاطر اسلام متحد شوید و اگر خدای نکرده به اسلام اعتقادی ندارید بخاطر مصالح کشورتان دست از تفرقه بردارید و دست اتحاد و اتفاق بدهید .این رهنمود تاریخی امام خمینی درست در آستانه‌ٔ اوج گیری فعالیت جبهه امریکایی براندازی است که با حوادث ۱٤ اسفند ۵۹ تا ۲۵ خرداد ٦۰ مرحله به مرحله گسترش یافت .

۲ــ از سخنان امام خمینی در ۱۱ تیرماه ۱۳٦۰ :

www.iran-archive.com

نباید فراموش‌کنیم که در جنگ با امریکا هستیم • در جنگ با امریکا و تفاله‌های امریکا • این تفاله‌هایی که قالب زدند خود شانرا و ماغفلت کردیم • الآن هم هستند • خط این بود که یکدسته شوروی را طرح می‌کردند تا امریکا منسی شود یکدسته الله اکبر را کنار می‌گذاشتند • سوت می‌زدند وکف می‌زدند آنهم در روز عاشورا • خط این بود که این قضیهٔ مرگ بر آمریکا منسی شود •

حزب تودهٔ ایران ضمن اعتراض جدی به این شیوه برخورد صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران انتظار دارکه به پیروی از رهنمود امام خمینی در زمینه تبدیل سال جاری به سال قانون و بر طبق قانون مطبوعات در مقابل دهها و دهها گفتار سراسر تحریف و توهین و افترا که تاکنون در برنامه‌های صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران علیه حزب تودهٔ ایران پخش شده است ، این نامهٔ اعتراضی و توضیحی که دفاع مختصری بیش‌نیست در یکی از نزدیکترین برنامه‌های صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران به اطلاع مردم ایران برسد •

با تشکر و احترام دبیرخانهٔ کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران

همانطورکه می‌دانید در دوران اخیر، بخصوص پس از توقیف روزنامهٔ "نامهٔ مردم" ، این گونه حملات از گوشه وکنار نسبت به حزب تودهٔ ایران افزایش یافته است ، و همهٔ امکانات برای پاسخگوئی به این حملات که بعضی از آنها عمیقاً ناجوانمردانه است ، از ما گرفته شده است •

* * * * *

www.iran-archive.com

سئوال شده است که دربارهٔ حوادثی که اخیراً در لهستان میگذرد و مسائلی که در آنجا مطرح است ، توضیحاتی بدهیم . مسئله لهستان مسئلهٔ بسیار بغرنجی است . در یک سری از تحلیلهایی که تا بحال در نشریات ما مطرح و چاپ شده ، چه تحلیلهایی که از طرف حزب ما داده شده است و چه تحلیلهایی که ما از منابع دیگری گرفته‌ایم ، برای نمونه از تحلیل رفقای آمریکایی ، بعضی جنبه‌های بحرانی کشور سوسیالیستی لهستان و حزب سوسیالیست کارگری لهستان با آن رویروست بیان شده است . بطور کلی ما باید اذعان کنیم که در پیدایش این بحران عوامل عینی و ذهنی مختلفی دخالت داشته‌اند . مهمترین عامل عینی این بحران عبارتست از مقاومت اقشار وابسته به خرده بورژوازی ، به مالکیت فردی وسائل تولید ، به ویژه دهقانان مرفه و بخشی از خرده بورژوازی و یا اقشار مرفه در شهر . مقاومت این اقشار و نفوذ این اقشار اجتماعی در داخل حزب سوسیالیست کارگری لهستان ، و تحریک فوق‌العاده شدید و عمیق و همه جانبهٔ امپریالیسم جهانی از راه‌های گوناگون صورت می‌گیرد و عمده ترین آنها از طریق کلیسای لهستان است ، که دارای نفوذ زیادی در مردم لهستان بوده است . به اینترتیب دو عامل از لحاظ عینی موثر بوده است : یکی عاملی است که سرچشمه‌اش عبارتست از بقایای مالکیت فردی بر وسائل تولید در جامعه لهستان ، و دیگری هم عامل تحریکات امپریالیسم از راه‌های مختلف با استفاده از همهٔ امکانات در داخل بویژه از راه کلیسای کاتولیک لهستان . ولی در کنار این دو عامل عینی باید عامل ذهنی را که سرچشمه‌اش اشتباهات حزب رهبری کننده جامعه ، حزب کمونیست لهستان بوده و این عامل تأثیر بسیار زیادی در اوضاع لهستان داشته است نیز در نظر داشت . تا حدی میشود گفت که آن عامل عینی اول ، یعنی بقاء مناسبات تولیدی کهنه در اقتصاد کشاورزی و در بخشی از اقتصاد شهری ، خود محصول اشتباه رهبری حزب کمونیست لهستان بوده است که نتوانست بموقع به این مسئله توجه بکند که بقاء این عامل چه خطرات بزرگی را برای مجموعهٔ تحول اجتماعی در لهستان می‌تواند بوجود بیاورد . بطوریکه ما می‌دانیم مسئله اشتراکی کردن کشاورزی در لهستان از تمام کشورهای سوسیالیستی نه تنها بطور نسبی بلکه بطور مطلق عقب مانده بود . در لهستان تقریباً" آنطوریکه من بخاطر دارم بیش از ۲۰٪ ، شاید این عدد کاملاً" دقیق نباشد ولی بیش از ۲۰٪ از کشاورزی به بخش اقتصاد دولتی یا اقتصاد تعاونی ارتقاء پیدا نکرده بود . نزدیک به ۸۰٪ اقتصاد کشاورزی برپایهٔ همان اقتصاد فردی ، مالکیت فردی ، یعنی دهقانان ، و بیشتر هم دهقانان مرفه اداره می‌شد . خوب این برای کشوری که هنوز در آنجا اقتصاد کشاورزی و جمعیت کشاورزی وزنهٔ سنگینی در اقتصاد دارد ، می‌توانست مشکل بزرگی را ایجاد کند و ایجاد هم کرد . به اینترتیب این یک اشتباه بزرگ رهبری حزب کمونیست لهستان بود . اشتباه بزرگ دیگر این بود که رهبری حزب سوسیالیست متحد لهستان به

نفوذ عناصر سازشکار، عناصری که به سوسیالیسم علمی اعتقاد کامل نداشتند در داخل حزب به معنی واقعی خود توجه طولانی نکرده ، یعنی طی دوران طولانی درهای حزب را باز گذاشته بود که انواع واقسام عناصر فرصت طلب وبدون اعتقاد به سوسیالیسم علمی وارد حزب بشوند و این عناصر توانستند که در نقاط مختلفی ، در دستگاه دولتی بخصوص در بخش اقتصاد دولتی نفوذ پیدا بکنند و در آنجا تاثیر منفی شدید خود را باقی بگذارند . و سوم اشتباه بزرگی است که رهبری حزب کمونیست لهستان در دولت لهستان در مسئله گرفتن قرضه از کشورهای امپریالیستی مرتکب شد که به میزان غیر قابل تحمل برای اقتصاد لهستان و در نتیجه ایجاد یك عامل بحران زا در اقتصاد سوسیالیستی لهستان موثر بود . مسلم این است که کشورهای سوسیالیستی می توانند از کشورهای سرمایه داری بزرگ وام های اقتصادی و کمکهای فنی بگیرند ، البته نه به معنی کمك ، بلکه بعنوان مناسبات اقتصادی ، و بعد هم آنرا با توسعه اقتصاد خود باز پرداخت کنند . از این امکان همه کشورهای سوسیالیستی استفاده کرده اند و میتوانند باز هم استفاده کنند ، ولی بهره گیری از چنین امکانی باید کاملا" دقیق و در چهار چوب امکانات اقتصادی خود کشور باشد ، و بهیچوجه به عنوان یك عامل بیمار کننده نتواند وارد اقتصاد شود و آنرا دچار بیماری کند . این اشتباه رهبری حزب کمونیست لهستان و رهبری دولت لهستان هم کمك خیلی زیادی کرد به انتقال بحران و ایجاد یك بحران دیگر در داخل لهستان ، در دوران اخیر اقتصاد دنیای سرمایه داری بطور کلی وارد یك مرحله بحرانی شدیدی شده و به اینترتیب این بحران به چند برابر به اقتصاد لهستان منتقل شد . باینترتیب ما می بینیم که جمع این عوامل عینی و ذهنی وضعی را در لهستان به وجود آوردند که ثبات نظام سوسیالیستی را در لهستان مورد تهدید قرار داده و دچار بحران جدی گردید . در این لحظات بحرانی اگر در حزب ، از لحاظ برخورد مارکسیستی به مسائل ، انسجام کاملی وجود می داشت ، اشکالات ممکن بود خیلی آسانتر برطرف شود . ولی بازماندن دوران طولانی درهای حزب و تمام مقامات حزبی برای رسوخ افراد فرصت طلب و رویزیونیست و غیر معتقد به اصول مارکسیسم لنینیسم باعث شد که در داخل حزب هم یك بحران جدی ایدئولوژیك بوجود بیاید و عناصر فرصت طلب و رمیزیونیست بتوانند مواضع مهم قدرت را در اهرمهای داخل حزب بدست گرفته و با استفاده از این مواضع قدرت بتوانند سیاست حزب را بطور کلی دچار تزلزل و بی ثباتی کنند . آنطوری که ما اطلاع داریم قرار است کنگره حزب در ماه ژوئیه تشکیل شود ، نیروهای جدی وفادار به سوسیالیسم علمی در داخل حزب معتقد هستند که تشکیل کنگره در این شرایط صلاح نیست . زیرا امکان اینکه در این شرائط رویزیونیستها و عناصر ضد سوسیالیست حتی بتوانند با عوام فریبی و با وارونه جلوه دادن واقعیات به مواضع کلیدی باز هم مهمتری در داخل

www.iran-archive.com

حزب دست یابند و سیاست حزب را بطور کلی در جهت انحرافی سمت بدهند وجود دارد که این ـ می‌تواند خطرات جدی برای خود حزب و در نتیجه برای تمام جامعه سوسیالیستی و برای سوسیالیسم در لهستان بوجود بیاورد . از این جهت است که اکنون ، آنطوریکه شاهد هستیم ، بحثهای خلی پرشوری در داخل حزب ، طی کنفرانسها در جریان است که بین نیروهای واقعاً " راستین هوادار سوسیالیسم علمی و کمونیستهای واقعی از یکسو و فرصت طلبان و رویزیونیستها از سوی دیگر صورت می‌گیرد . رویزیونیستها در بسیاری از مواضع با استفاده از اهرمهای حزبی ، موفق شده‌اند که کمونیستهای واقعی را از مقامات رهبری محلی و مرکزی حزب حتی برکنار کنند و این همان پدیده های نگرانی آوری است که اکنون در لهستان ما در مقابلش قرار گرفته‌ایم . ولی علیرغم همه این مشکلات ما امیدوار هستیم که نیروهای سالم کمونیست در لهستان باکمک همه جنبش جهانی کمونیستی بتوانند بر این دشواریها چیره شده و به بحران موجود در لهستان پایان دهند تا باز هم زندگی ، یعنی روند طبیعی گسترش موزون و هماهنگ جامعه سوسیالیستی بتواند ادامه پیدا کند و نیروهای ضد ـ سوسیالیستی که در دوران اخیر خیلی میدان پیدا کرده‌اند و به تحریکات وسیع طلبی با استفاده از ـ روزنامه و حتی رادیو و تلویزیون برضد سوسیالیسم دامن می‌زنند ، قلع و قمع شوند و سوسیالیسم در ـ جاده تکامل خود شتثبیت گردد . این امید ماست ولی البته بایستی اینجا بگوییم که این گونه دشواریها در تاریخ بزرگ دوران ما که دوران گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم است ، جنبه های موضعی و موقتی دارد ، یعنی کوتاه مدت است . در تمام دوران ۶۴ سالهای که از عمر سوسیالیسم می‌گذرد ، بار ـ اول نیست که با این نوع گرفتاریها روبرو می شود . ما باید این حساب را بکنیم که از عمر جوامع طبقاتی چندین هزار سال توانسته است یک نظام فوق‌العاده آبدیده و جا افتاده برای خویش بنا نهد ، ولی میگذرد و جامعهٔ سوسیالیستی ، یعنی جامعه‌ای که استثمار در آن از بین رفته و یا میرود ، جامعه‌ای که بکلی تغییرات بنیادی در ساختار اجتماعی و دولتی بوجود می‌آورد ، جامعه‌ای نو و تازه است. تمام قوانین و مقررات و بستگیهای داخلی آن جامعه باید تماماً " از نو ساخته شود و برای هیچیک از آنان تجربه تاریخی وجود ندارد . و بدون تجربه‌های تاریخی ، ساختن یک جامعهٔ نو ، اگر هیچگونه دشواری هم از خارج وجود نمی‌داشت باز هم خیلی مشکل بود . و حال اینکه می‌دانیم که سوسیالیسم از همان روز نخستی که ، اولین پیروزی را بدست آورد با بزرگترین فشار جنایت آمیز و تخریبی از طرف سرمایه‌داری بین‌المللی ، از طرف تمام ارتجاع بین المللی از طرف تمام آن جامعه‌ـ های طبقاتی ، نظام های طبقاتی کهنه و عقب افتاده که وجود خود را از جانب سوسیالیسم به خطر می‌دیدند ، مورد هجوم قرار گرفت و این سیاست تخریبی ۶۳ سال است که در همه زمینه‌ها دنبال ـ می‌شود . از این نوع که ما پیروز شاهد بودیم یعنی بمب‌گزاری و کشتن رهبران جنبش انقلابی گرفته

تا تخریب اقتصادی ، محاصره اقتصادی ، و از بین بردن کارخانجات ، ترکاندن کارخانجات و غیرهو غیره . با همه این گرفتاریها روبرو بوده است و هنوز هم روبرو است . و سرمایه داری بین المللی ، سرمایه داری انحصاری تمام نیروهای جهنمی خویش‌را در درجه اول بکار می برد برای اینکه سوسیالیسم را در کشورهای سوسیالیستی از درون مورد ضربه قرار دهد . به اینجهت این مسائل خیلی غیر طبیعی و غیر عادی نیستند . در عین حالی که ما از وقوع این نوع حوادث متأسف هستیم ولی با خونسردی کامل با آنها روبرو می شویم و مطمئن هستیم که علیرغم تمام این دشواریها باز هم سوسیالیسم نه فقط در مقیاس جهانی ، بلکه در این کشورهائی هم که دچار دشواری و بحران می شوند راه خود را باز خواهد کرد و به پیش خواهد رفت ، زیرا مبنای جامعه سوسیالیستی است و به همین دلیل این بحرانها را می‌تواند از سر بگذراند . ما نمونه هایی از این نوع را قبلاً در دیگر کشورهای سوسیالیستی نیز دیده‌ایم و نیز دیدیم که بحران بالاخره خاتمه پیدا کرد و راه رشد سوسیالیستی پیروز شد . و در لهستان هم ما فکر می‌کنیم که به همین صورت خواهد بود . این دشواریها همانطور که گفتم موضعی است، موقتی است و در دوران خیلی بغرنج گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم پیش می‌آید . دشمنان سوسیالیسم خیلی کوشیده‌اند و می‌کوشند که از این گونه بحرانها ، جنجالهای عجیب جهانی بسازند و جو عجیب تبلیغاتی درست کنند . ما ٦٤ سال است ، یعنی تمام طول تاریخ زندگی سوسیالیسم در دنیا، که با این شیوه‌ٔ بهره‌گیری امپریالیسم جهانی از ضعف ها ، کمبود ها ، اشتباهات و نواقص روبرو هستیم . فراموش نکنیم یک از گفته‌های معروف لنین را که درباره‌ٔ بعضی ایرادهایی که گرفته می شد مبنی براینکه در فلان جا در جریان ساختمان سوسیالیسم اشتباه شده است . جوابی که او به آنها میدهد، تقریباً در یک جمله این است که ، آن کمونیستهایی را باید بکلی گمشده به حساب آورد که تصور می‌کنند که ما بدون اینکه چندین بار آنچه را که ساخته‌ایم ، بکلی خراب بکنیم و دو مرتبه از نو بسازیم ، قادر به ساختن بنای سوسیالیسم هستیم . چنین چیزی غیر ممکن است . یعنی کاملاً طبیعی است که سوسیالیسم در راه پیدا کردن آن نظام تازه‌ای که بایستی جانشین این نظام چندین هزار ساله‌ٔ طبقاتی بشود ناگزیر خواهد بود که راههای گوناگونی را آزمایش کند که در تاریخ تا کنون آزمایش نشده‌اند و احتمال اینکه در اینجا و آنجا اشتباه بکند و مجبور شود که اشتباه خود را ترمیم کند و آنچه را که ساخته دو مرتبه خراب کند و از نو بسازد وجود دارد ، این کاملاً طبیعی و قانونمند است و ما فقط به این شادی خارج از اندازه دشمنان سوسیالیسم باریشخند پاسخ می‌دهیم که : روسیاهی به زغال خواهد ماند و اجازه بدهید که جوجه‌ها را آخر پاییز بشمریم . من باز اینجا یاد آوری می‌کنم که اول سالهای ۷۰ هم یک چنین وضعی در دنیا پیدا شده بود . خوب یادمان هست که اواخر سالهای

۶۰ یعنی در سال ۱۹۶۸، جریان چکسلواکی به وجود آمد. آنجا دشواریهایی نظیر همین دشواریهایی که الآن در لهستان وجود دارد، بوجود آمد. آنوقت نیز سرمایه داری بین المللی چه خوشحالی ها کرد از اینکه گویا دیگر سوسیالیسم نابود شد و از بین رفت. سپس در سال ۷۰ یك تهاجم وحشتناك دیگر امپریالیسم امریکا در دنیا شروع شد. امپریالیسم آمریکا تهاجم وحشیانه و جنایتبار خود را علیه ویتنام شروع کرد، می پنداشت که دیگر یکی بعد از دیگری کشورهای سوسیالیستی را به زانو در خواهد آورد. بعضی ها را مانند چکسلواکی و بعضی ها را با شرکت فعال در یك تجاوز نظامی ـ مثل ویتنام. ولی خوب، جوجه را آخر پائیز می شمرند. حالا نیز در اواخر سالهای ۷۰، ما می توانیم حسابهایمان را با امپریالیسم یکریک ورمرورکنیم. اواخر سالهای ۷۰ به این ترتیب گذشت که امپریالیسم آمریکا در اروپا، در چکسلواکی بکلی ناکام گردید و پوزه اش به خاك مالیده و تمام تحریکاتش با ناکامی روبرو شد. چکسلواکی یك کشور سوسیالیستی باقی ماند و با سرعت کم سابقه ای به رشد و تکامل سوسیالیستی خود ادامه داد و ویتنام مورد تجاوز به مشت محکمی تبدیل شد که مغز امپریالیسم جهانی را تکان داد. امپریالیسم با افتضاح تمام از ویتنام بیرون رانده شد و آن شکست دنیایی را که در تاریخ ۲۰۰ سالهٔ امپریالیسم آمریکا بی سابقه بوده است وارد آورد و بدنبال آن شاهد یك تحول عظیم در دنیا هستیم که یکی از حلقه های آن، انقلاب شکوهمند میهن خود ماست. به اینترتیب ما می بینیم که در سالهای ۷۰ چندین پایگاه تزلزل ناپذیر امپریالیسم بطور مفتضحانه ای از دستش خارج شد. پایگاه جنوب شرقی آسیا، ویتنام جنوبی، پایگاه جنوب آفریقا در شکل موزامبیك و آنگولا و ماداگاسکار از دست امپریالیسم خارج شد. در افریقا همچنین چند پایگاه مهم دیگر نیز مانند اتیوپی و بنین از دستش رفت. در کشورهایی مثل لیبی و سوریه و الجزیره تحول بطرف دوستی با اردوگاه سوسیالیسم و تقویت همکاری با کشورهای سوسیالیستی به میزان بیسابقه ای تقویت پیدا کرد، در افغانستان انقلاب پیروز شد، در ایران انقلاب شکوهمند بوقوع پیوست. و به همین شکل این جریان اکنون نیز دنبال میشود و بعنوان مثال اکنون می بینیم که امریکا پس از گذشت یکسال هنوز موفق نشده است که در کشور کوچك السالوادور، حاکمیت هواداران را تثبیت کند. و این بعد از نیکاراگوا ضربهٔ دومی است که به امپریالیسم در امریکای لاتین یعنی نقطه ای که امپریالیسم امریکا تسلط مطلق شیطانی و جهنمی خویش را برقرار کرده است، وارد آمده است. به اینترتیب ما به آیندهٔ جهان بسیار خوشبین هستیم. یعنی علیرغم این که امریکا، در بسیاری از جبهه ها، علیه نیروهای آزادیبخش ضد امپریالیستی، و علیه جبهه ضد امپریالیستی جهانی و علیه شوروی، در خاور میانه علیه لیبی و سوریه، در ایران علیه انقلاب ایران،

www.iran-archive.com

در افغانستان طیه انقلاب افغانستان ، در جنوب شرقی آسیا طیه ویتنام و غیره و غیره ،دست بـــه تهاجم زده است ، ما فکر می‌کنیم که در دهه ۸۰ باز هم جوجه ها را آخر پائیز خواهند شمرد و روسیاهی زیادی به امپریالیسم و وابستگانش در دنیا خواهند گذاشت . ما به جریان لهستان در ــ همین چهار چوب نگاه می‌کنیم .

* * * * * *

www.iran-archive.com

سئوالاتی شده است درباره نظر ما در زمینه قانون احزاب و قانون معاملات مسکن که از طرف مجلس تصویب شد و بعد از طرف شورای نگهبان در آن تغییراتی بوجود آمد و این تغییرات هم در مجلس دومرتبه به تصویب رسید. من کوشش می‌کنم که در این دو مورد نظر حزب تودهٔ ایران را بیان کنم. درباره قانون معاملات مسکن، بنظر ما با کمال تأسف با حذفی که در سه مورد از طرف شورای نگهبان به عمل آمده، بنظر ما این قانون تقریبا به شیر بی یال و دمی تبدیل شده است. یعنی واقعیت این است که این قانون هیچ ضمانت اجرایی برای جلوگیری از تقلبهای صد رنگی که معمولا سرمایه‌دارها مرتکب می‌شوند برای اینکه با حقه‌بازی و نیرنگ کار خودشان را انجام دهند در نظر نگرفته است. و قانونی که هیچگونه ضمانت اجرایی برای جلوگیری از عمل خلاف نداشته باشد، به یك چیز غیر واقعی تبدیل می‌شود. در این قانون ماده‌ای هست مبنی براینکه افرادی که خانه نداشته باشند و بتوانند که ثابت کنند که خانه ندارند، یعنی فقط بیایند و ادعا بکنند که خانه ندارند، می‌توانند که خریدار خانه بشوند. در طرحی که قبلا تصویب شده بود، یك ضمانت اجرائی برای این ماده گذاشته شده بود مبنی براینکه اگر معلوم شود که این شخص دروغ گفته و به دروغ یك خانه جدید خریده است که معامله بنماید، آن معامله غیرقانونی است و آن فرد هم مجازات می‌شود. خوب این کاملا قابل فهم است. ما هنوز از شورای نگهبان توضیحی نشنیدیم که به چه علت این مخالف قوانین اسلام، یا مخالف قانون اساسی است، که این ماده را توصیه به حذف کرده یا اینکه لااقل رأی به نادرستی این ماده داده که منجر به حذف آن گردیده است. آن ماده به این صورت تبدیل شده است که اگر شخصی خانه‌ای را به تقلب خرید به او تا مدتی برق و گاز و تلفن و آب نخواهند داد. ما خوب میدانیم که در شرایط کنونی جامعه ایران، اولا: پیدا کردن چنین تقلبی فوق‌العاده دشوار است. یعنی هم پیدا کردن این تقلبها دشوار است، هم اینکه اگر فقط نتیجهٔ آن این باشد که برای مدتی برق و آب و گاز این خانه قطع شود آنهم می‌دانیم که چه شیوه‌هایی برای اینکه برق و آب و گاز گرفته بشود، بکاربرده می‌شود. همین پریروز در روزنامه‌ها خواندیم که وزارت نیرو درصدد است علیه کسانی که از برق قاچاق استفاده می‌کنند اعلام جهاد نماید. به این ترتیب برای کنترل این دزدها و قاچاقچی ها و سفته بازها سازمان عظیمی نیاز است که کنترل بکند که واقعا آنها از راههای گوناگون به این برق و آب و گاز دسترسی پیدا نکنند. و این ماده بنظر ما فوق‌العاده سبك و غیرعملی است و دست سفته بازان و متقلبین را برای معامله‌های پشت سرهم باز خواهد کرد. به این دلیل که شخصی که با تقلب خانه‌ای را خریده، بعد می‌تواند به یك آدم درست و حسابی بفروشد و در نتیجه ۵۰ هزارتومان، ۱۰۰ هزارتومان، ۲۰۰ هزارتومان سود ببرد. خوب به آن شخص بدبخت دومی که خانه را خریده و شخص متقلبی هم نیست، دیگر نمی‌توانند برق و آب و گاز ندهند. مجبور خواهند شد به خریدار تازه برق و آب و گاز بدهند پس مسئله قانون بکلی سنبل میشود. یعنی خریدار

www.iran-archive.com

متقلبی که در این میان این تقلب را انجام داده، میتواند بعنوان اینکه من خانه را احتیاج ندارم، می‌خواهم عوض بکنم، میخواهم به شهر دیگری بروم، یا هزار حقه بازی دیگری که میتواند در لابلای سطور این قانون پیدا بکند، و از هرگونه مجازاتی فرار بکند و خانه را بفروشد. به این ترتیب، فکر می کنیم که این ماده جز به زیان این قانون نتیجهٔ دیگری نداشته است. در مورد اجاره دادن خانه‌های خالی نیز در موادی که تصویب شده بود، بسیار ارزنده بود، خانه‌های خالی که تعدادشان نیز در تهران زیاد است و حدس زده می‌شود که تا ۱۰۰ هزار واحد مسکونی خالی اکنون در تهران وجود داشته باشد و با احتیاج مبرمی که مردم به خانه دارند، میبایستی اقدامی در این زمینه انجام بگیرد. صاحبان این خانه‌ها، خانه‌ها را اجاره نمی‌دهند و حالا می‌خواهند با قیمت های گزاف بفروشند و یا اگر هم اجاره بدهند، ۱۰۰ هزار تومان، ۱۵۰ هزار تومان برای یك خانه مسکونی ۲ اتاق خوابه بعنوان فقط پیش قسط یا بعنوان وجهی که حتی قبض برای آن نمی‌دهند و یا بعنوان وجه‌الضمان می‌خواهند دریافت کنند. و خوب اگر در اینجا ماده‌ای وجود داشت که براساس آن اگر در عرض یك ماه، دو ماه، سه ماه، هر قدر (می‌توان زمانش را کم یا زیاد کرد)، مالکی حاضر نشد خانه را اجاره بدهد، بعد از شناسایی، دولت حق داشته باشد که از طرف او اینکار را انجام بدهد. ماده بسیار ارزنده‌ای بود برای جلوگیری از این فشاری که صاحبان خانه که اکثرا همان بورژوازی ملی هستند که همان وابستگان به این طیف براندازی هستند و از آن پشتیبانی می‌کنند نسبت به افراد بی‌خانه که معمولا از قشرهای پایینی اجتماع هستند، از قشر محرومان جامعه، چه آنهایی که روشنفکر هستند، چه کارگر هستند، اعمال می‌کنند. با این ماده هم متأسفانهٔ شورای نگهبان مخالفت کرده و در نتیجه در مجلس این حذف شده است. سومین حذفی که از طرف شورای نگهبان انجام گرفت، مسئلهٔ کنترل و بررسی قیمتهای خانه است. جلوگیری از اینکه صاحبان خانه نتوانند با بالا بردن قیمت خانه محتاجان به مسکن را غارت بکنند. اینهم از قانون حذف شده، بدون اینکه هیچگونه کنترلی باشد و ماده دیگری تصویب شده که در عرض سه ماه دولت طرح جامعی برای حل مسئلهٔ مسکن عرضه کند، که ما عقیده نداریم که در شرایط کنونی، واقعا در عرض سه ماه دولت بتواند چنین طرحی را تهیه و یا اصلا در این زمینه اقدام خیلی جدی بعمل بیاورد. نتیجه این میشود که با کمال تأسف این قانون به شکلی که تصویب شد، خیلی از جهات مثبت آن طرحی را که در مجلس تصویب شده و مورد پذیرش وزارت مسکن هم قرار گرفته بود، فاقد است و همانطوریکه گفتم تقریبا اثر خیلی زیادی در حل دشواری مسکن نخواهد داشت.

و اما در بارهٔ قانون احزاب، ارزیابی کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران در بارهٔ قانون احزاب بزودی به صورت یك بیانیه به اطلاع شما خواهد رسید. بطورکلی ما عقیده داریم که قانون احزاب با کمال تأسف نسبت به آنچه که تاکنون از طرف مقامات مهم اجتماعی اظهار شده و همچنین نسبت به قانون اساسی، مصوبات

www.iran-archive.com

شورای عالی قضایی ،گفته‌های خود امام و اعلامیه ده ماده‌ای دادستان کل انقلاب‌که مورد تأییـــد و پشتیبانی تمام مقامات مهم‌کشور از جمله رئیس‌مجلس و رئیس‌دولت قرار گرفته است،جنبه‌های جدی محدود کننده و منفی دارد • به نظرما این قانون به این شکل که تصویب شده است، نمی تواند جواب‌گوی محتوای قانون اساسی ایران باشد که در آن شرایط مجلس‌خبرگان با همان موضعگیریها به تصویب رسانده است•

محدودیتهای بسیار زیادی برای فعالیت احزاب و سازمانها ،بویژه احزابیکه دیگراندیش‌هستنـد و رسما مذهبی نیستند ، در نظرگرفته شده که می‌تواند احیانا مورد سوءاستفادهٔ مقامات اجرایی قرارگیرد و اینکه واقعا جلوی اینگونه سوءاستفاده‌ها درآینده به نفع تحکیم آزادی و به زیان سمت‌گیریهای ضـــد آزادی گرفته شود ، بسیار سئوال انگیز است و ما به دشواری می‌توانیم تأیید بکنیم‌که این قانون بتواند جوابگوی تمام آن چیزی باشدکه طرفداران آزادی فعالیت احزاب و سازمانهای پشتیبان انقلاب و تأییـد کننده جمهوری اسلامی ، از گفته‌های امام و از قانون اساسی وآنچه که درمجلس خبرگان مورد بحـث وتصویب و تأیید قرار گرفته ، برداشت‌کرده‌اند • ما نمی‌توانیم این قانون را تأیید بکنیم و به این دلیل امیدوارهستیم‌که شورای نگهبان قانون اساسی ، به این نکات توجه کرده و در مواردی که این قانـــون بطور مشخص‌با قانون اساسی مغایرت دارد ، نظرغیر تأییـدی خویش‌را اعلام‌کند،تابتوان درمجلـس، طی شور بعدی این نقص‌ها و ضعف‌ها را برطرف‌کرده و قانونی را به تصویب رساندکه شایستهٔ جمهوری اسلامی ایران باتمام آن برنامه‌ای که در دوران نخست پرشور و انقلابی خویش‌مطرح کرد ، باشـــد • این است بطورکلی نظرما در بارهٔ این قانون• ولی در هرحال اگر این قانون بهمین شکل هم تصویب شود بایستی که احزاب و سازمانهایی که برای آزادی مبارزه میکنند ،تلاش‌کنندکه در چهارچوب ایـــن قانون از هرگونه زیاده‌روی مراجع مختلف اجرایی جلوگیری نمایند و تمام هواداران آزادی نیروهای خود رامتشکل کنند تا نگذارند از نکات ابهامی که دراین قانون وجود دارد به زیان آزادی ، بهره‌گیـــری شود •

* * * * * *

دراین روزها از طرف رادیوی صدای آمریکا و رادیوی اسرائیل خبری تحریک آمیز منتشر شد مبنی‌بر اینکه کیانوری کاندید ریاست‌جمهوری ایران است• و این خبر ظاهرا از طرف‌آژانس پارس‌به‌روزنامه‌های ایران داده شد و در روزنامهٔ اطلاعات وکیهان (یکی از آنها و یا هردوی آنها) نیز منعکس‌گردید • انعکاس‌یك چنین خبر دروغ تحریك آمیزی از طرف رادیوی اسرائیل و رادیوی آمریکا یا بی‌بی‌سی یا هـر کدام از این مراجع تبلیغاتی امپریالیستی و ضدانقلابی ، کاملا قابل فهم است• ولی انعکاس‌آن در روزنامه‌هایی که خود را طرفدار جمهوری اسلامی ایران می‌دانند ، برای ما واقعا قابل فهم نیست• یعنی این مسأله برای ما قابل درك نیست‌که چطور یك چنین خبری که عدم‌صحت‌آن برای هر نویسنـــده

www.iran-archive.com

روزنامهٔ اطلاعات وکیهان نیز مشخص‌است و لااقل میتوان بایك تلفن صحت و سقم آنرا جویا شـــد در روزنامه‌ها چاپ و در صدها هزار نسخه در ایران پخش می‌شود • این برای ما واقعا عجیب‌است• من فقط جواب اینرا با همان گفته امام می‌توانم بدهم، که با تفاله‌های آمریکا در جنگ هستیم که خود شانرا به مـا جا زدند و هنوز هم هستند • و توصیهٔ ما به‌رهبران این روزنامه‌ها این است‌که آیا واقعا وقت این‌نیست که جلوی اینگونه دروغپردازیها را در روزنامه‌های خود بگیرند ؟ ادامهٔ این شیوه فقط باعث تنزل ارزش واقعی این روزنامه‌ها خواهد گردید • من در یکی از گفته‌های چند وقت پیش با صراحت گفتم (که حتمـا به اطلاع این نویسندگانی که این خبر را در روزنامه‌جا زدند نیز رسیده‌است) که ما رسما گفته‌ایم که با توجه به آنچه که در قانون اساسی دربارهٔ ریاست‌جمهور آمده است، اصلاً مسئله اینکه از طرف حزب توده ایران کاندیدی برای ریاست‌جمهوری مطرح شود ، مطرح نیست• اینرا ما با کمال صراحت گفتیم• برای نمایندگی‌مجلس‌چون در قانون اساسی محدودیتهایی که با صراحت برای ریاست‌جمهوری مطرح است، وجود ندارد ما کاندید دادیم و در انتخابات آینده هم باز در نقاطی که صلاح بدانیم، کاندید خواهیم داد، و همچنین در انتخابات میان دوره‌ای • ولی در مورد ریاست‌جمهوری ، هم بار پیش و هم این بار ، ما کوشش‌کردیم که‌در بین آن کاندیدایی‌که مطرح هستند و در چهارچوب قانون اساسی می‌توانند مطرح شوند . (دفعه پیش‌وزارت‌کشور و در این دفعه شورای نگهبان انطباق کاندید بودن آنهارا بـا قانون اساسی تشخیص میدهد و اعلام خواهد کرد) بکاندیدائی رأی بدهیم که بنظرما دارای آن‌ویژگیها و صلاحیتی است‌که در شرایط‌کنونی انقلاب‌ایران میتواند به تعهد تاریخی خویش‌که عبارتست‌از ادامه خط امام‌خمینی وفادار باقی بماند • در دفعه گذشته هم به همان علت و با این ارزیابی در بیـــن کاندیداهای موجود ما فردی را انتخاب‌کردیم‌که بنظرما کسی بودکه می‌توانست در راه امام باوفاداری باقی بماند وتاریخ هم ارزیابی مارا دقیقا مورد تأیید قرارداد • این بارهم ما به همان شکل عمل خواهیم کرد وبزودی نظر رسمی حزب دربارهٔ شرکت ما در انتخابات ریاست‌جمهوری ، اعلام خواهد شد وهمان‌طوریکه گفتم ما برای توصیه امام مبنی بر شرکت همه جانبه در انتخابات ارج زیادی قائلیم و با احترام‌این توصیه امام را اجرا خواهیم‌کرد • یعنی فعالانه در انتخابات ریاست‌جمهوری شرکت‌خواهیم‌کرد برای اینکه به آن یاوه گوئیها وخود محوربینی‌های بنی صدر (که معتقد بودکه گویا ۱۱ میلیون به‌او رأی‌دادند) تودهنی محکمی بزنیم• ما هیچوقت‌اعتقاد نداشتیم‌که مردم به او رأی داده‌اند و برای اینکه این‌افسانه هم درهم شکسته شود ما در انتخابات آینده فعالانه شرکت‌خواهیم‌کرد • نظرما بعدا منتشرخواهد شد•

سئوال شده است‌که ما تغییراتی را که در فرانسه منجر به شرکت‌چهار وزیر از طرف‌حزب‌کمونیست فرانسه در کابینهٔ جدید آن کشور شده‌است‌چطور ارزیابی می‌کنیم•

بطور خلاصه و مختصر اگر بخواهیم بگوییم، ما تغییراتی را که در فرانسه پیدا شده خیلی مثبت ارزیابی

www.iran-archive.com

می‌کنیم و برای آن بعنوان عاملی جهت انجام یك سلسله تغییرات، نه تنها در فرانسه بلکه در چهارچوب اروپای غربی اهمیت قابل ملاحظه‌ای قائل هستیم. البته نه به این مفهوم که گویا در تمام کشورهای اروپای غربی، تغییری در جهت شرکت کمونیستها در دولتها آغاز شده است. نه ما در این چهارچوب نگاه نمی‌کنیم. بلکه در این چهارچوب نگاه می‌کنیم که فرانسه با یك چنین حکومتی که برپایه همکاری روی یك برنامه مشترکی بین سه نیروی چپ، یعنی حزب کمونیست، حزب سوسیالیست و رادیکالهای چپ بوجود آمده می‌تواند در مجموعهٔ سیاست اروپای غربی در جهت تقویت آن گرایشهای به سمت تشنج زدایی در سیاست جهانی تأثیر مثبت و قابل ملاحظه‌ای داشته باشد. کافی است ما به همین عامل نگاه کنیم که امپریالیسم آمریکا از این حادثه فوق‌العاده ناراضی است و این عدم رضایت خویش را با وقاحتی که از ویژگی‌های سیاست تجاوزکارانهٔ آمریکا است ابراز داشته و اعلام کرده است. یعنی حتی امپریالیسم آمریکا دیگر خود را ملزم به رعایت شرایط پروتکل سیاسی و تشریفات سیاسی هم نمی‌داند و رسما اعلام می‌کند که مخالف این است که کمونیستها در دولت فرانسه شرکت کنند و جواب دولت فرانسه را هم اگر ما تقریباکمی، پوسته‌اش را بکنیم عبارت از این است که فضولی به شما نیامده، حق دخالتی در امور داخلی ماندارید، اینکه چه کسی در کابینهٔ فرانسه شرکت کند امری است که به فرانسویها مربوط است و نه به آقای ریگان و دارودسته‌اش. خوب ما همین مسأله را خیلی مثبت ارزیابی می‌کنیم که در فرانسه نه فقط یك سیاست مستقلی در پیش گرفته شده است که به دستورات امریکا توجه نکند، بلکه این سیاست آن حد پیش رفته است که سوسیالیست ها و رادیکالهای چپ، مسئله همکاری باکمونیستها را بعنوان عاملی برای تثبیت دولتی که وظایف بسیار دشواری در مقابلش قرار گرفته است لازم و ضروری شمردند و به آن تن در دادند. البته دولت فرانسه در مقابل وضع بسیار دشوار اقتصادی قرار گرفته که نتیجهٔ فعالیت چندین ده سالهٔ دولتهای وابسته به انحصارهای بزرگ سرمایه‌داری است. بیکاری خیلی وسعت دارد، تورم بسیار شدید است، شرایط زندگی نسبت به گذشته برای زحمتکشان خیلی دشوارتر شده است. با همهٔ این مسائل بایستی دولت جدید فرانسه کلنجار رفته و راه حل های عملی که بتواند مردم را، توده‌هایی را که به او رأی دادند قانع کند، پیدا کند. حزب سوسیالیست و رادیکالها بخودی خود اکثریت مطلق نمایندگان مجلس را در دست دارند. درست است که این اکثریت با کمك حزب کمونیست بدست آمده است ولی می‌توانستند مثل نمونه‌هایی که در تاریخ هست زیر تعهداتی که قبلا به عهده گرفته بودند بزنند و بگویند که ما دیگر احتیاجی به حزب کمونیست نداریم، با همین نمایندگان اکثریتی که در مجلس داریم که تقریبا دو سوم نمایندگان را در برمیگیرد، حکومت می‌کنیم. ولی حزب سوسیالیست و رادیکالها می‌دانند که در فرانسه هیچ برنامه‌ای را بدون اینکه پشتیبانی طبقه کارگر فرانسه را داشته باشد نمی‌توانند پیاده کنند. اکثریت نیرومند طبقهٔ کارگر فرانسه به حزب کمونیست فرانسه اعتماد و اعتقاد دارد و آنرا در حقیقت

نماینده منافع خویش میداند . به عبارت دیگر بدست آوردن پشتیبانی و همکاری طبقه کارگر فرانسه برای برنامه‌های اقتصادی که دولت باید برای حل مشکلات در پیش بگیرد ، بدون شرکت و پشتیبانی حزب کمونیست فرانسه از این اقدامات ، خیلی دشوار و شاید غیرممکن است. و بهمین دلیل هم ما فکر می‌کنیم که سوسیالیستها و رادیکالها با وجود تمام فشاری که از خارج، از تمام کشورهای هم جبههٔ فرانسه یعنی انگلستان ، آلمان فدرال و آمریکا برآنها وارد آمده معذالك این همکاری را قبول کرده و به آن تن در دادند . ما امیدواریم که شرکت دوستان فرانسوی ما که همیشه نقش بسیار مهمی در سمت گیری سیاست فرانسه داشته‌اند که مسلما تحت تأثیر کار حزب کمونیست فرانسه بوده است ، حالا که در دولت هستند لااقل این تأثیر را عمیق تر و وسیع تر به مورد اجرا بگذارند . در سالهای گذشته هم سیاست دولت فرانسه با سیاست سایر کشورهای امپریالیستی در مسائل عمدهٔ مربوط به صلح و در دنیا تفاوتهایی داشته و جنبه‌های مثبتی داشته است. در هر صورت ما خیلی از این موفقیت بزرگ خوشحال هستیم و کامیابی برادران فرانسوی مان را بعنوان بخشی از حاکمیت کشور فرانسه و بخشی از دولت ، در نبرد بزرگی که در پیش دارند و پیشبرد نقشه‌هائی که در پیش دارند ، خواستار هستیم. البته این بستگی خیلی زیادی دارد به شرایط اجتماعی در فرانسه و به اینکه تا چه حد حزب سوسیالیست و رادیکالهای چپ در انجام تعهداتی که نسبت به زحمتکشان فرانسه قبل از انتخابات تقبل کرده‌اند و بهمان دلیل هم پشتیبانی آنها را بدست آوردند ، صادق و قاطع و پیگیر باقی بمانند . البته ما این تجربهٔ تلخ تاریخی را نیز داریم که این نیروهای بینابینی ، نیروهای سوسیالیست و سوسیال دمکرات معمولا قبل از انتخابات تعهدات زیادی را نسبت به طبقهٔ کارگر و سایر زحمتکشان می‌پذیرند ، ولی بعدا بتدریج به اشکال مختلف از زیر این تعهدات شانه خالی کرده و بهیچ تغییر بنیادی در جامعه دست نمی‌زنند و به همین جهت ما با احتیاط همه چیز را تلقی خواهیم کرد . و این تجربه البته در دنیا هست ولی ما می‌دانیم که دنیای ما در حال تغییر خیلی جدی است. در دوران تحول از سرمایه‌داری به سوسیالیسم، هر روز عوامل و عناصر تازه‌ای در سیاستهای گوناگون پیدا می‌شود . اینکه در سالهای اخیر احزاب سوسیالیست بیشتر به چپ گرایش پیدا کرده‌اند گرایش نسبتا عامی است که در تمام کشورهای سرمایه‌داری دیده شده است.(در انگلستان در حزب کارگر و در حزب سوسیال دمکرات آلمان غربی) که این نیز یکی از آن عناصر تازه‌ای است که در سیاست جهانی پیدا می‌شود . کارگران این کشورها روز بروز در نتیجهٔ تأثیر بحران عمومی سرمایه‌داری که در حال تشدید است، آگاه تر می‌شوند و خواستهای خود را با صراحت بیشتری مطرح کرده و موضعگیری ضد انحصارهای بزرگ و ضد منوپلهای سرمایه‌داری آنها روشن تر و قاطع‌تر می‌شود . به موازات این عامل احزاب سوسیالیست و سوسیال دمکرات هم به علت تعهداتی که به طبقهٔ کارگر کشور خود دارند جبرا باید برای اینکه موجودیت خود را حفظ کرده و بتوانند موضعی را که در جامعه دارند نگاه دارند ، مجبور

می‌شوند که در جهت گرایش به چپ آن بخش از طبقه کارگر که دنبال آنها هستند ، تغییر سمت گیری بدهند • باینترتیب امکان دارد که در فرانسه واقعاً" وضع تازه‌ای پیدا شود ، به این معنی که ائتلاف کمونیستها و سوسیالیستها در دولتی که اکنون تشکیل شده است ، دارای یك محتوائی است که اگر نگوئیم کاملاً" ضد انحصاری است ، لااقل در جهتی است که بتواند گامهای جدی برای محدود کردن قارتگری انحصارها بردارد • البته ما خیلی خوشحال خواهیم شد اگر سیاست دولت فرانسه در داخل ، در این جهت ، و در خارج هم در جهت تحکیم مبانی صلح جهانی و از میان برداشتن موانعی که در مقابل روند تشنج زدائی جهانی وجود دارد ، بطور فعال گام بردارد • این آن چیزی است که ما درباره وضعی که در فرانسه بوجود آمده است، می‌توانیم اظهار کنیم • و بطور خلاصه باز هم همانطور که گفتم نارضایتی آمریکا و انگلستان از این حادثه ، بهترین دلیل است براینکه این حادثه را باید به فال نیك گرفت و برای آن یك محتوای مثبت در جهت پیشرفت اجتماعی ، و تحکیم دمکراسی قائل شد •

www.iran-archive.com

* * * * *

www.iran-archive.com

تکثیر از :

واحد حزب تودهٔ ایران در برلن غربی